



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

## لغات خانه به انگلیسی + مثال، ترجمه و تلفظ صوتی

🕒 ۱۴۰۴/۱۰/۱۸ ارسال شده توسط مصطفی ساهری 📁 مقالات زبان انگلیسی 🕒 ۳۷۱ بازدید

The graphic features a central illustration of a house with a red roof, a garage with a red car, and a bedroom with a bed and nightstand. To the right, there are icons for a washing machine, a dryer, and an oven. The text 'لغات خانه به انگلیسی' is written in large black letters, with 'House Vocabulary in English' below it. A purple plus sign is followed by 'مثال و ترجمه'. The website 'zabanmaster.com' is in the bottom left, and the logo is in the bottom right.

# لغات خانه به انگلیسی

## House Vocabulary in English

مثال و ترجمه +

zabanmaster.com

## موضوعات این مقاله

- ۱ انواع خانه به انگلیسی
- ۲ بخش‌های اصلی خانه به انگلیسی
- ۳ اتاق‌های خانه به انگلیسی
- ۴ وسایل اتاق نشیمن به انگلیسی
- ۵ وسایل اتاق خواب به انگلیسی
- ۶ وسایل آشپزخانه به انگلیسی
- ۷ وسایل حمام و سرویس بهداشتی به انگلیسی
- ۸ وسایل عمومی و مبلمان خانه به انگلیسی
- ۹ لوازم برقی خانه به انگلیسی (Home Appliances)
- ۱۰ وسایل دکوری و تزئینی خانه به انگلیسی
- ۱۱ افعال پرکاربرد مربوط به خانه به انگلیسی
- ۱۲ صفات پرکاربرد برای توصیف خانه به انگلیسی
- ۱۳ جملات کاربردی درباره خانه به انگلیسی
- ۱۴ تفاوت واژه‌های مشابه در موضوع خانه
- ۱۵ تفاوت Closet و Wardrobe
- ۱۶ جمع‌بندی لغات خانه در انگلیسی

لغات مربوط به خانه از مهم‌ترین واژگان در **آموزش زبان انگلیسی** هستند و تقریباً در همه‌ی مکالمات روزمره استفاده می‌شوند. دانستن لغات خانه به انگلیسی به شما کمک می‌کند درباره محل زندگی، اتاق‌ها، وسایل و کارهای روزانه به راحتی صحبت کنید. در این مقاله، انواع خانه به انگلیسی و مهم‌ترین و کاربردی‌ترین لغات خانه به انگلیسی را به صورت دسته‌بندی شده و همراه با مثال یاد می‌گیرید. این آموزش برای زبان‌آموزان مبتدی تا متوسط کاملاً مناسب است.

## انواع خانه به انگلیسی

apartment

آپارتمان

I live in an **apartment** near the city center.

من در یک آپارتمان نزدیک مرکز شهر زندگی می‌کنم.

house

خانه (ویلایی / مستقل)

They bought a small **house** in a quiet neighborhood.

آن‌ها یک خانه کوچک در محله‌ای آرام خریدند.

villa

ویلا

The **villa** has a private pool and a large garden.

این ویلا یک استخر خصوصی و یک باغ بزرگ دارد.

duplex

خانه دوبلکس

We moved into a **duplex** with two floors.

ما به یک خانه دوبلکس دو طبقه نقل مکان کردیم.

studio

آپارتمان استودیویی

She rents a **studio** with one open space.

او یک آپارتمان استودیویی با یک فضای باز اجاره کرده است.

townhouse

خانه شهری ردیفی

**Townhouses** are common in this area.

خانه‌های ردیفی در این منطقه رایج هستند.

bungalow

خانه یک طبقه

My grandparents live in a **bungalow**.

پدربزرگ و مادربزرگم در یک خانه یک طبقه زندگی می‌کنند.

cottage

کلبه / خانه روستایی کوچک

They stayed in a **cottage** by the lake.

آن‌ها در یک کلبه کنار دریاچه اقامت داشتند.

بیشتر بخوانید: [مکالمه انگلیسی در هتل](#)

**بخش‌های اصلی خانه به انگلیسی**

entrance

ورودی

The **entrance** of the house is very wide.

ورودی خانه خیلی عریض است.

hallway

راهرو

Shoes are left in the **hallway**.

کفش‌ها در راهرو گذاشته می‌شوند.

stairs

پله‌ها

The **stairs** lead to the second floor.

پله‌ها به طبقه دوم می‌رسند.

balcony

بالکن

She drinks coffee on the **balcony** every morning.

او هر صبح روی بالکن قهوه می نوشد.

terrace

تراس

The **terrace** has a great city view.

تراس منظره‌ی فوق‌العاده‌ای به شهر دارد.

yard

حیاط

The children play in the **yard**.

بچه‌ها در حیاط بازی می‌کنند.

garage

پارکینگ / گاراژ

His car is parked in the **garage**.

ماشین او در گاراژ پارک شده است.

basement

زیرزمین

The **basement** is used for storage.

از زیرزمین برای انبار استفاده می شود.

attic

اتاق زیر شیروانی

Old boxes are kept in the **attic**.

جعبه های قدیمی در اتاق زیر شیروانی نگهداری می شوند.

roof

سقف

The **roof** needs repair after the storm.

سقف بعد از طوفان نیاز به تعمیر دارد.

fence

حصار

A wooden **fence** surrounds the house.

یک حصار چوبی دور خانه را گرفته است.

gate

در ورودی حیاط، دروازه ورودی

Please close the **gate** when you leave.

لطفا هنگام رفتن در حیاط را ببند.

اتاق‌های خانه به انگلیسی

living room

اتاق نشیمن / پذیرایی

The family watches TV in the **living room**.

خانواده در اتاق نشیمن تلویزیون تماشا می کنند.

bedroom

اتاق خواب

My **bedroom** is small but comfortable.

اتاق خواب من کوچک اما راحت است.

kitchen

آشپزخانه

She is cooking dinner in the **kitchen**.

او در آشپزخانه در حال پختن شام است.

bathroom

حمام

The **bathroom** is next to the bedroom.

حمام کنار اتاق خواب است.

dining room

اتاق غذاخوری

We have guests in the **dining room** tonight.

امشب در اتاق غذاخوری مهمان داریم.

guest room

اتاق مهمان

My parents sleep in the **guest room**.

پدر و مادرم در اتاق مهمان می خوابند.

study

اتاق مطالعه

He reads and studies in the **study**.

او در اتاق مطالعه درس می‌خواند و مطالعه می‌کند.

home office

دفتر کار خانگی

She works from her **home office**.

او از دفتر کار خانگی‌اش کار می‌کند.

laundry room

اتاق لباس شویی

The **laundry room** is in the basement.

اتاق لباس شویی در زیرزمین قرار دارد.

storage room

انباری

Extra boxes are kept in the **storage room**.

جعبه‌های اضافی در انباری نگهداری می‌شوند.

بیشتر بخوانید: گرامر **there is there are** انگلیسی

## وسایل اتاق نشیمن به انگلیسی

sofa

مبل

The **sofa** is very comfortable.

مبل خیلی راحت است.

armchair

مبل تک نفره

He is sitting on the **armchair**.

او روی مبل تک نفره نشسته است.

coffee table

میز جلو مبلی، میز عسلی، میز قهوه، میز پیشدستی، میز پذیرایی

The coffee table is in front of the **sofa**.

میز پیشدستی جلوی مبل قرار دارد.

TV stand

میز تلویزیون

The **TV stand** has two drawers.

میز تلویزیون دو کشو دارد.

bookshelf

قفسه کتاب

The **bookshelf** is full of books.

قفسه کتاب پر از کتاب است.

carpet

فرش

The **carpet** covers the living room floor.

فرش کف اتاق نشیمن را پوشانده است.

curtain

پرده

She opened the **curtains** to let light in.

او پرده‌ها را باز کرد تا نور وارد شود.

lamp

چراغ / آباژور

The **lamp** is next to the sofa.

چراغ کنار مبل قرار دارد.

side table

میز کنار مبلی

I put my phone on the **side table**.

گوشی‌ام را روی میز کنار مبلی گذاشتم.

wall shelf

قفسه دیواری

The **wall shelf** holds small decorations.

قفسه دیواری وسایل دکوری کوچک را نگه می‌دارد.

## وسایل اتاق خواب به انگلیسی

bed

تخت خواب

The **bed** is very comfortable.

تخت خواب خیلی راحت است.

mattress

تشک

I need a new **mattress** for my bed.

برای تختم به یک تشک جدید نیاز دارم.

pillow

بالش

She bought a soft **pillow**.

او یک بالش نرم خرید.

blanket

پتو

This **blanket** keeps me warm at night.

این پتو شب‌ها من را گرم نگه می‌دارد.

wardrobe

کمد لباس

My clothes are in the **wardrobe**.

لباس‌هایم داخل کمد لباس هستند.

dresser

دراور / کشو لباس

He keeps his socks in the **dresser**.

او جوراب‌هایش را در دراور نگه می‌دارد.

nightstand

میز کنار تخت

There is a lamp on the **nightstand**.

یک چراغ روی میز کنار تخت قرار دارد.

mirror

آینه

She looks at herself in the **mirror**.

او خودش را در آینه نگاه می‌کند.

alarm clock

ساعت زنگ‌دار

The **alarm clock** rings at 7 a.m.

ساعت زنگ‌دار ساعت ۷ صبح زنگ می‌زند.

bedside lamp

چراغ خواب

I turn off the **bedside lamp** before sleeping.

قبل از خواب چراغ خواب را خاموش می‌کنم.

## وسایل آشپزخانه به انگلیسی

refrigerator

یخچال

The **refrigerator** is full of food.

یخچال پر از مواد غذایی است.

freezer

فریزر

Meat is kept in the **freezer**.

گوشت در فریزر نگهداری می‌شود.

stove

اجاق گاز

She is cooking soup on the **stove**.

او روی اجاق گاز در حال پختن سوپ است.

oven

فر

The cake is baking in the **oven**.

کیک در فر در حال پختن است.

microwave

مایکروویو

He heated the food in the **microwave**.

او غذا را در مایکروویو گرم کرد.

sink

سینک ظرف شویی

The dishes are in the **sink**.

ظرف‌ها داخل سینک هستند.

cabinet

کابینت

Plates are stored in the **cabinet**.

بشقاب‌ها در کابینت نگهداری می‌شوند.

dishwasher

ماشین ظرف‌شویی

I put the dishes in the **dishwasher**.

ظرف‌ها را داخل ماشین ظرف‌شویی گذاشتم.

kettle

کتری

The **kettle** is boiling water.

کتری در حال جوش آوردن آب است.

toaster

توستر

I made **toast** with the toaster.

با توستر نان تست درست کردم.

بیشتر بخوانید: لیست کامل وسایل آشپزخانه به انگلیسی

## وسایل حمام و سرویس بهداشتی به انگلیسی

toilet

توالت

The **toilet** needs to be cleaned.

توالت نیاز به تمیز کردن دارد.

shower

دوش

I take a **shower** every morning.

من هر صبح دوش می‌گیرم.

bathtub

وان حمام

The **bathtub** is full of warm water.

وان حمام پر از آب گرم است.

towel

حوله

Please bring a clean **towel**.

لطفاً یک حوله تمیز بیاور.

soap

صابون

This **soap** smells very nice.

این صابون بوی خیلی خوبی دارد.

shampoo

شامپو

She uses **shampoo** for dry hair.

او از شامپوی مخصوص موی خشک استفاده می‌کند.

toilet paper

دستمال توالت

We need to buy **toilet paper**.

باید دستمال توالت بخریم.

toothbrush

مسواک

I brush my teeth with my **toothbrush** twice a day.

من روزی دو بار با مسواک دندان‌هایم را تمیز می‌کنم.

toothpaste

خمیر دندان

This **toothpaste** is for sensitive teeth.

این خمیر دندان مخصوص دندان‌های حساس است.

shower curtain

پرده حمام

The **shower curtain** keeps water inside.

پرده حمام آب را داخل نگه می‌دارد.

**بیشتر بخوانید: لوازم آرایشی به انگلیسی**

## وسایل عمومی و مبلمان خانه به انگلیسی

table

میز

The **table** is in the middle of the room.

میز وسط اتاق قرار دارد.

chair

صندلی

Please sit on the **chair**.

لطفا روی صندلی بنشین.

shelf

قفسه

The **shelf** holds books and boxes.

قفسه کتاب‌ها و جعبه‌ها را نگه می‌دارد.

drawer

کشو

The keys are in the **drawer**.

کلیدها داخل کشو هستند.

closet

کمد دیواری

The **closet** has sliding doors.

کمد دیواری درهای کشویی دارد.

hanger

چوبلباسی

Hang your coat on the **hanger**.

کتت را روی چوبلباسی آویزان کن.

light switch

کلید برق

Turn off the **light switch** when you leave.

وقتی بیرون می‌روی کلید برق را خاموش کن.

power outlet

پریز برق

The **power outlet** is behind the desk.

پریز برق پشت میز قرار دارد.

trash can

سطل زباله

Throw the trash in the **trash can**.

زباله را داخل سطل زباله بینداز.

vacuum cleaner

جاروبرقی

I use the **vacuum cleaner** every week.

من هر هفته از جاروبرقی استفاده می‌کنم.

## لوازم برقی خانه به انگلیسی (Home Appliances)

washing machine

ماشین لباس شویی

The **washing machine** is running now.

ماشین لباس شویی الان در حال کار است.

dryer

خشک‌کن لباس

I put the clothes in the **dryer**.

لباس‌ها را داخل خشک‌کن گذاشتم.

air conditioner

کولر / دستگاہ تهویه

The **air conditioner** cools the room quickly.

کولر اتاق را سریع خنک می‌کند.

heater

بخاری / وسیله گرمایشی

We turn on the **heater** in winter.

در زمستان بخاری را روشن می‌کنیم.

fan

پنکه

The **fan** is on because it's hot.

چون هوا گرم است پنکه روشن است.

iron

اتو، اتو کردن

He **irons** his shirt every morning.

او هر صبح پیراهنش را اتو می‌کند.

hair dryer

سشوار

She dries her hair with a **hair dryer**.

او موهایش را با سشوار خشک می‌کند.

electric kettle

کتری برقی

The **electric kettle** boils water fast.

کتری برقی آب را سریع می‌جوشاند.

blender

مخلوط‌کن

I make smoothies with the **blender**.

من با مخلوط‌کن اسموتی درست می‌کنم.

rice cooker

پلوپز

The **rice cooker** is ready in ۲۰ minutes.

پلوپز در ۲۰ دقیقه آماده می‌شود.

## وسایل دکوری و تزئینی خانه به انگلیسی

painting

تابلو نقاشی

A **painting** hangs on the living room wall.

یک تابلو نقاشی روی دیوار اتاق نشیمن آویزان است.

picture frame

قاب عکس

The **picture frame** is made of wood.

قاب عکس از چوب ساخته شده است.

vase

گلدان

She put flowers in the **vase**.

او گل‌ها را داخل گلدان گذاشت.

indoor plant

گیاه آپارتمانی

**Indoor plants** make the room fresh.

گیاهان آپارتمانی فضا را تازه می‌کنند.

wall clock

ساعت دیواری

The **wall clock** shows the correct time.

ساعت دیواری زمان درست را نشان می‌دهد.

cushion

کوسن

The **cushion** is soft and colorful.

کوسن نرم و رنگارنگ است.

rug

قالیچه

A small **rug** is under the table.

یک قالیچه کوچک زیر میز قرار دارد.

candle

شمع

She lit a **candle** in the evening.

او عصر یک شمع روشن کرد.

decorative mirror

آینه دکوری

The **decorative mirror** makes the room look bigger.

آینه دکوری باعث می‌شود اتاق بزرگ‌تر به نظر برسد.

photo album

آلبوم عکس

They keep old memories in a **photo album**.

آن‌ها خاطرات قدیمی را در یک آلبوم عکس نگه می‌دارند.

## افعال پرکاربرد مربوط به خانه به انگلیسی

clean

تمیز کردن

I **clean** the house every weekend.

من هر آخر هفته خانه را تمیز می‌کنم.

wash

شستن

She **washes** the dishes after dinner.

او بعد از شام ظرف‌ها را می‌شوید.

cook

آشپزی کردن

He **cooks** dinner for his family.

او برای خانواده‌اش شام می‌پزد.

vacuum

جاروبرقی کشیدن

I **vacuum** the floor twice a week.

من هفته‌ای دو بار کف خانه را جاروبرقی می‌کشم.

mop

تی کشیدن

She **mops** the kitchen floor.

او کف آشپزخانه را تی می‌کشد.

fix

تعمیر کردن

He **fixed** the broken door.

او در خراب‌شده را تعمیر کرد.

organize

مرتب کردن

I **organized** my closet yesterday.

من دیروز کمدم را مرتب کردم.

decorate

تزیین کردن

They **decorated** the house for the holiday.

آن‌ها خانه را برای تعطیلات تزیین کردند.

move in

اسباب‌کشی کردن (وارد خانه شدن)

We **move in** next Friday.

ما جمعه آینده (به خانه جدید) اسباب‌کشی می‌کنیم.

take out

بیرون بردن

Please **take out** the trash.

لطفا زباله را بیرون ببر.

بیشتر بخوانید: افعال رایج زبان انگلیسی

## صفات پرکاربرد برای توصیف خانه به انگلیسی

spacious

جادار

The apartment is **spacious** and bright.

آپارتمان جادار و روشن است.

cozy

دنج و صمیمی

This room feels **cozy** in winter.

این اتاق در زمستان حس دنجی دارد.

modern

مدرن

They live in a **modern** building.

آن‌ها در یک ساختمان مدرن زندگی می‌کنند.

old-fashioned

قدیمی / سنتی

The house has an **old-fashioned** style.

خانه سبک قدیمی دارد.

quiet

آرام

The neighborhood is very **quiet** at night.

محلہ شبہا خیلی آرام است.

noisy

پر سر و صدا

The street is **noisy** during the day.

خیابان در طول روز پر سر و صداست.

bright

پرنور

Large windows make the room **bright**.

پنجرہہای بزرگ اتاق را پرنور می کنند.

dark

کم نور / تاریک

The hallway is **dark** at night.

راهرو شب‌ها تاریک است.

comfortable

راحت

The living space is very **comfortable**.

فضای زندگی خیلی راحت است.

crowded

شلوغ

The house feels **crowded** during parties.

خانه هنگام مهمانی‌ها شلوغ به نظر می‌رسد.

بیشتر بخوانید: صفات کاربردی در انگلیسی

جملات کاربردی درباره خانه به انگلیسی

I'm looking for a quiet place to live.

دنبال یک جای آرام برای زندگی می‌گردم.

This place feels very comfortable.

این مکان حس خیلی راحتی دارد.

We moved here last year.

ما سال گذشته به اینجا نقل مکان کردیم.

The space is perfect for a small family.

این فضا برای یک خانواده کوچک عالی است.

I usually relax here after work.

معمولا بعد از کار اینجا استراحت می‌کنم.

It gets noisy during the day.

در طول روز شلوغ و پرسر و صدا می‌شود.

The place looks brighter in the morning.

اینجا صبح‌ها روشن‌تر به نظر می‌رسد.

Everything is well organized.

همه چیز به خوبی مرتب شده است.

I don't feel comfortable staying here at night.

با اینجا شب ماندن راحت نیستم.

It's a good place for everyday life.

اینجا برای زندگی روزمره جای خوبی است.

## تفاوت واژه‌های مشابه در موضوع خانه

### تفاوت Home و House

House

ساختمان فیزیکی خانه

This **house** was built in ۲۰۱۰.

این خانه در سال ۲۰۱۰ ساخته شد.

Home

خانه به معنای محل زندگی و احساس تعلق

This place feels like **home**.

اینجا حس خانه را می دهد.

## تفاوت Studio و Apartment

Apartment

آپارتمان معمولی با چند فضا

She lives in a small **apartment**.

او در یک آپارتمان کوچک زندگی می کند.

Studio

آپارتمان یک فضایی

A **studio** is cheaper for one person.

یک استودیو برای یک نفر ارزان تر است.

## تفاوت Closet و Wardrobe

Wardrobe

کمد لباس (ایستاده یا جدا)

His **wardrobe** is full of clothes.

کمد لباس او پر از لباس است.

Closet

کمد دیواری

The **closet** is built into the wall.

کمد دیواری داخل دیوار ساخته شده است.

## جمع بندی لغات خانه در انگلیسی

لغات خانه به انگلیسی از مهم ترین واژگان مکالمه روزمره هستند و تقریباً در همه موقعیت های زندگی استفاده می شوند. با یادگیری واژه های مربوط به انواع خانه، بخش ها، وسایل، افعال و صفات، می توانید خیلی طبیعی درباره محل زندگی خود صحبت کنید. اگر این لغات را همراه با جمله یاد بگیرید، هم سریع تر حفظ می شوند و هم در مکالمه فعال می مانند و می توانید آنها را به موقع به یاد بیاورید.

## لغات خانه به انگلیسی مناسب چه سطحی هستند؟

این لغات بیشتر برای سطح مبتدی تا متوسط مناسب اند و پایه ی مکالمه روزمره را می سازند.

## فرق house و home دقیقا چیست؟

House به ساختمان فیزیکی اشاره دارد، اما home بیشتر حس زندگی و تعلق را منتقل می کند.

## بهترین روش یادگیری لغات خانه چیست؟

یادگیری لغات به صورت دسته بندی شده همراه با جمله مثال و تلفظ صوتی (دقیقا مثل همین مقاله زبان مستر)، بهترین و ماندگارترین روش است.

## آیا این لغات در مکالمه واقعی استفاده می شوند؟

بله، تمام واژه ها و جملات این مقاله از کاربردی ترین موارد در انگلیسی روزمره هستند.